

پژوهشی دربارهٔ زیارت‌های جامعه*

دکتر سید کاظم طباطبایی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: tabatabaei @ ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

زیارت پیشوایان معصوم (ع) آداسی دارد. از جمله آن آداب، خواندن زیارتنامه‌ها و اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) به دست ما رسیده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و اذکار را در مطاوی کتابهای حدیث یا در مؤلفاتی مستقل ثبت کرده‌اند. در میان زیارتنامه‌های مأثور، زیارت‌هایی هست که با عنوان «زیارت جامعه» شناخته می‌شود. از میان زیارت‌های جامعه، دو زیارت جامعه کبیره و جامعه صغیره از شهرتی ویژه برخوردار است. نگارنده در این مقاله پس از توصیف زیارت‌های جامعه، با مراجعه به کتب اهل فن مقدار اعتبار و ضعف و قوت این دو زیارت را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که با صرف نظر از صحت مضامین این دو زیارت، سند زیارت جامعه صغیره از زیارت جامعه کبیره از قوت و استحکامی بیشتر برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت‌های جامعه، زیارت‌های مخصوص،

زیارت‌های مطلق، زیارت جامعه کبیره، زیارت جامعه صغیره.

۱. درآمد

«زیارت» که واژه‌ای عربی است، مصدر «زَارَ يَزُورُ» و به معنای «برای همدمی و مؤانست یا حاجتی به خانه یا دیدار کسی رفتن» است (آنیس، ذیل واژه مورد نظر) و در فرهنگ و آیین مسلمانان و بویژه شیعیان، رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها^۱ و تیز اذکار، اوراد و دعاهایی را که به عنوان تشرّف باطنی برای پیامبران، امامان، امامزادگان و اولیاء خوانند «زیارت» گویند. بنابراین، در نظر فرد مسلمان «زیارت» برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجّت خدا، قرار دادن خویشتی خویش است در حوزه روحانیت و فیض بخشی [پیامبر و] امام» (رکنی، ص ۷). امام علی بن موسی الرضا (ع) درباره زیارت فرموده است:

«هر امامی را پیمانی در گردن اولیا و شیعیانش است. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود»^۲.

در نتیجه می‌توان - و بلکه باید - گفت: «زیارت تجدید پیمان با حجّت خدا و استوار گرداندن رشته مؤدّت و اطاعت مأموم نسبت به امام است که پیشوای فکری و علمی می‌باشد» (رکنی، ص ۲۰۸). زیارت آدابی و ترتیبی دارد. از جمله آن آداب،

۱. مشاهد مشرفه حرمت و حکم مسجدها را دارد. زیرا علاوه بر اشتغال بر فوائد مساجد، به سبب کسی که در آن مدفون است، شرافتی افزون هم کسب کرده و اذکار و نماز در آن مکانها از برترین طاعات و عبادات است (سید محسن امین، ۲/۲).

۲. روی الحسن بن علی الوشاء عن ابی الحسن الرضا - علیه السلام - قال: ان لكل امام عهداً في عتق اوليائه و شيعته، ان من قام الوفاء بالعهد زيارة قبورهم، ممن زارهم رغبة في زيارتهم و تصديقاً بما رغبوا فيه كان اثمهم شفعانهم يوم القيامة. (ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه: به نقل از مولی محمدتقی مجلسی، روضة المتقين، ۳۶۰/۵؛ همو، عمود اخبار الرضا، ۲۶۰/۲ - ۲۶۱). برای آگاهی بیشتر درباره فضیلت زیارت مشاهد پیامبران و امامان (ع) نک: مولی محمدتقی مجلسی، همان کتاب، ۳۵۸/۵ به بعد؛ السید محسن الامین، ۲/۲ - ۵. گفتنی است که ترجمه حدیث بالا از کتاب شوق دیدار (ص ۱۱۷) برگرفته شد.

خواندن زیارتنامه‌ها و دعاها و بر زبان راندن اذکار مخصوصی است که از ائمه (ع) بر جای مانده است. عالمان امامی این زیارتنامه‌ها و دعاها را با عین الفاظ و تعبیرات امامان در مطاوی دواین حدیث یا در مؤلفاتی مستقل زیر عنوان «المزار» یا «کتاب المزار» یا «الزیارات» ثبت و ضبط کرده‌اند (درباره این مطلب نک: آقا بزرگ تهرانی، ۳۰۴/۱۳).

۲. زیارت‌های جامعه و وجه تسمیه آنها

در میان این زیارتنامه‌های مأثور زیارت‌هایی وجود دارد که به «زیارات جامعه» مشهور است. این زیارتنامه‌ها را بدان سبب «جامعه» خوانده‌اند که متن آنها به گونه‌ای تنظیم و آموزش داده شده است که می‌توان با خواندن یکی از آنها هر یک از پیامبران و امامان (ع) را از دور یا نزدیک زیارت کرد. بنابراین، این گونه زیارتها ویژه پیامبر یا امام یا مکان یا زمانی خاص نیست. (شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، ۱۲۶/۹۹؛ خوانساری، ص ۹۷؛ شبر، صص ۴۳ - ۴۴؛ امین، ۲۰۸/۲؛ قمی، ص ۸۹۹). زیارتنامه‌هایی که چنین خصوصیتی دارد بسیار است. برخی از مؤلفان کتب ادعیه و زیارات، فقط به آوردن یکی از این زیارتها اتمام نشان داده‌اند (مثلاً نک: مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶). اما برخی دیگر، چند فقره از آنها را در کتابهای خویش به ودیعت نهاده‌اند. چنانکه ابن بابویه قمی ملقب به «صدوق» دو فقره «من لا یحضره الفقیه»، ۶۰۸/۲ - ۶۰۹؛ همو، «عیون اخبار الرضا»، ۲۷۱/۲ - ۲۷۸، آقا جمال خوانساری سه فقره «مزار» ص ۱۰۲، سید محسن امین چهار فقره «مفتاح الجنات»، ۲۱۰/۲ - ۲۱۸، محدث قمی پنج فقره «مفاتیح»، ص ۹۱۷ و مولی محمدباقر مجلسی در «باب الزیارات الجامعه» به تعداد پیشوایان معصوم (ع) چهارده فقره (بحار، ۲۰۹/۹۹) از این زیارتها را نقل کرده است. مجلسی پس از نقل آن زیارتها گوشزد می‌کند که زیارت‌های جامعه دیگری هم هست که به سبب موثق نبودن یا تکراری بودن مضامین از آوردن آنها چشم پوشیدیم (همانجا).

در این جا مناسب می‌رسد با کمال ایجاز و بنا همان ترتیبی که مجلسی دوم در بحارالانوار آورده است به توصیف این زیارتها پردازد:

۲ - ۱. زیارت اوّل، که آن را در برابر زیارت «جامعه کبیره»، زیارت «جامعه صغیره» می‌نامند، زیارتی است که امام رضا (ع) آن را در پاسخ پرسش کسانی که درباره چگونگی زیارت امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) پرسیده بودند به شیعیان آموخت و فرمود: در مسجدهای پیرامون آرامگاه نماز گذارید و مجزی است در همه جا، یعنی در زیارت هر یک از ائمه، بگویید: «السلام علی اولیاء الله و اصفیائه، السلام علی ائمه الله و احبائه...». این زیارت کوتاه با اسنادهای زیر نقل شده است:

الف - ابن بابویه از ابن الولید از صفار از علی بن حسان از امام رضا (ع) (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۶۰۸/۲؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲۷۱/۲، قس: همو، مشیخه الفقیه، ۵۳۱/۴).

ب - ابن قولویه از محمد بن حسین متّ جوهری از ابو جعفر محمد بن احمد اشعری قمی از هارون بن مسلم از علی بن حسان از امام رضا (ع) (ابن قولویه، ص ۳۱۵).

ج - کلینی از محمد بن یحیی از اشعری از هارون بن مسلم از علی بن حسان از امام رضا (ع) (کلینی، ۵۷۸/۴؛ نیز نک: الطوسی، تهذیب، ۱۰۲/۶؛ مفید، ص ۱۷۶؛ شهید اول، ص ۲۳۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۲۶/۹۹ - ۱۲۷؛ خوانساری، صص ۹۵ - ۹۶؛ قمی، ص ۸۹۹ درباره شرح بعضی از مواضع این زیارت نک: مجلسی، همانجا).

۲ - ۲. زیارت دوم، که دارای متنی بلند و همان است که به «زیارت جامعه کبیره» شهرت دارد، به نقل از امام هادی (ع) است. صدوق از دقاق و سنائی و وراق و مکتب و آنان جملگی از محمد بن ابی عبدالله کوفی و ابوالحسین اسدی و آن دو به نوبه خود از محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عمران (با عبدالله، نک: خویی، ۵۲/۱۹) نخعی حدیث کرده‌اند که گفت: به علی بن محمد (ع) گفتم: ای زاده رسول خدا، به من

سخنی بلیغ و کامل بیاموز تا وقتی خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بر زبان رانم. پس آن امام فرمود: چون به درگاه روضه رسیدی بایست و در حالتی که باید با غسل باشی شهادتین بگو. آنگاه چون داخل قبه شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو. پس از آن با سکنه (آرامش دل) و وقار (آرامش تن) و با گام‌های کوتاه و آهسته اندکی پیش برو. بعد بایست و سی مرتبه [دیگر] الله اکبر بگو. پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه الله اکبر بگو تا صد مرتبه کامل شود. آنگاه بگو «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة...» (ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ۲/۲۷۲ - ۲۷۸؛ همو، *من لا یحضره الفقیه*، ۲/۶۰۹؛ طوسی، *تهذیب*، ۹۵/۶؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ۱۲۷/۹۹ - ۱۳۴؛ خوانساری، ص ۵۹ به بعد؛ قمی، ص ۹۰۱ به بعد؛ عطاردی، صص ۲۴۷ - ۲۵۲). گویا سبب این تکبیرهای بسیار آن باشد که زائران از تعبیرات و مضامین امثال این زیارت، به غلو گرفتار نشوند یا از بزرگی حق غافل نمانند و از اصل استوار «توحید» منحرف نشوند. (قمی، ص ۹۰۱؛ زکلی، ص ۳۲۳).

۲ - ۳. زیارت سوم، که با زیارت «جامعه کبیره» در الفاظ اختلافاتی دارد و از آن مبسوط‌تر است و معلوم نیست از زبان کدام یک از امامان (ع) نقل شده است (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ۱۴۶/۹۹ - ۱۵۹). مجلسی دوم دربارهٔ این زیارت گوید: «چون من این زیارت را در اصلی مصحح و کهن که آن را در آغاز کتاب خود «کتاب عتیق» نامیدم مبسوط‌تر و با اختلافاتی در الفاظ آن دیدم، دوست دارم آن را نقل کنم» (پیشین، ۱۴۶/۹۹).

۲ - ۴. زیارت چهارم، این زیارت‌نامه که نسبتاً کوتاه است از زبان امام صادق (ع) برای زیارت امام حسین (ع) و دیگر امامان نقل شده است. سند این زیارت چنین است:

۱. خوانساری، *مزار*، صص ۵۹ - ۶۰.

۲. خوانساری، *همانجا*.

ابن قولویه از پدرش و گروهی از استادانش به واسطه محمد عطار و نیز ابن قولویه از محمد بن حسین بن مت جوهری و آنان جملگی از اشعری از علی بن حسان از عروة بن اسحاق ابن اخی شعیب عفرقوسی از «کسی که آن را ذکر کرده» از امام ابی عبدالله [= امام صادق] حدیث کرده‌اند که گفت: هرگاه به نزدیک قبر حسین بن علی (ع) آمدی، این جملات را که در کنار آرامگاه هر امام دیگری نیز مجزی است می‌توانی بگویی: «السلام علیک من الله، السلام علی محمد امین الله علی رسله...» (ابن قولویه، صص ۳۱۶ - ۳۱۹؛ محمدباقر مجلسی، ۱۶۰/۹۹ - ۱۶۲). گفتنی است که در سند این زیارت دو اشکال به چشم می‌خورد: یکی اینکه عروة بن اسحاق امامی، اما ناشناخته است (خویی، ۱۳۸/۱۱). دیگر اینکه راوی زیارت از امام صادق (ع) نامش در سلسله سند مذکور نیست و در نتیجه اسناد زیارت «مرسل» است.

۲ - ۵. زیارت پنجم، زیارتنامه‌ای بلند است که سید بن طاووس و مؤلف المزار الکبیر روایت کرده و گفته‌اند: این زیارت از ائمه (ع) روایت شده است. ولی معین نکرده‌اند کدام یک از امامان (ع) آن را به شیعیان خود تعلیم داده‌اند (محمدباقر مجلسی، ۱۶۲/۹۹ - ۱۷۶). آغاز این زیارت چنین است: «السلام علیکم ائمة المؤمنین و سادة المتقین...».

۲ - ۶. زیارت ششم، که همان زیارت معروف «امین الله» است. ابن طاووس با اسانیدی چند از جابر جعفی از امام باقر (ع) روایت کرده است که پدرم علی بن الحسین (ع) سوی مشهد امیرالمؤمنین رفت و در کنار آرامگاه ایستاد. آنگاه گریست و گفت: «السلام علیک یا امین الله فی ارضه...». بنا به نقل ابن طاووس امام باقر (ع) فرموده است: «هر کس از شیعیان ما این زیارت را در کنار آرامگاه امیر مؤمنان (ع) یا یکی از ائمه بخواند، آن را در نامه‌ای از نور بالا برسد و شهر محمد (ص) بر آن زنند و آن را محفوظ دارند تا به قائم تسلیم کنند تا سرانجام با بشارت و تحیث و کرامت

صاحبش را ملاقات کند». (ابن طاووس، صص ۲۴۵ - ۲۴۶؛ محمدباقر مجلسی، ۱۷۶/۹۹ - ۱۷۷؛ قمی، ص ۵۷۵). این روایت حاکی است که هم امیرالمؤمنین (ع) و هم دیگر امامان (ع) را با این زیارتنامه می‌توان زیارت کرد. پس این زیارت هم از زیارت‌های مطلق و هم از زیارت‌های مخصوص روز غدیر (شهید اول، ص ۱۴۹؛ کفعمی، ص ۶۳۸) و هم از زیارت‌های جامعه است (امین، ۴۲/۲؛ قمی، ص ۵۷۷؛ قس: خوانساری، صص ۹۸ - ۱۰۲). دربارهٔ اهمیت این زیارت، مجلسی دوم گفته است: این زیارت از نظر متن و سند بهترین زیارت‌هاست. پس شایسته است مؤمنان در همهٔ روضات مقدّس ائمّه بر آن مواظبت و اهتمام داشته باشند (قمی، ص ۵۷۵؛ امین، ۴۲/۲ - ۴۴).

۲ - ۷. زیارت هفتم؛ ابن طاووس گوید: این زیارت از ابو الحسن ثالث [= امام هادی] روایت شده است. در آغاز اذن ورود می‌گیری. سپس پای راست را مقدّم بر پای چپ گذاشته داخل می‌شوی و می‌گویی: «بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله...» (ابن طاووس، صص ۲۴۶ - ۲۵۱؛ محمدباقر مجلسی، ۱۷۸/۹۹ - ۱۸۷؛ عطاردی، صص ۲۵۳ - ۲۵۹). مجلسی پس از نقل این زیارت اظهار داشته است: «به نظر می‌رسد آنچه سید ذکر کرده روایتی واحد [و یکپارچه] نیست، بلکه او روایتها را با هم جمع و تألیف کرده است» (بحارالانوار، ۱۸۷/۹۹).

۲ - ۸. زیارت هشتم؛ ابن طاووس این زیارت را ذکر کرده و گفته است: این از سخنان امام رضا (ع) است. به گمان مجلسی دوم، او این زیارت را از خبری که عبدالعزیز بن مسلم دربارهٔ فضل و صفات امام از زبان امام رضا (ع) روایت کرده فراهم ساخته و سامان داده است. ولی چندان که باید از عهدهٔ تألیف آن بر نیامده است (بحارالانوار، همانجا). ابن طاووس گوید: «چون خواستی که یکی از امامان را زیارت کنی در برابر ضریح او بایست و بگو: «السلام علی القائمین مقام الانبیاء، الوارثین علوم الاصفیاء...» (محمدباقر مجلسی، ۱۸۷/۹۹ - ۱۹۰).

۲ - ۹. زیارت نهم؛ این زیارتنامه را هم ابن طاووس در کتاب *مصباح الزائر* آورده

و گفته است: «در برابر ضریح امام مَرُور^۱ می ایستی و می گویی: «اللهم انی استلک یا رافع السموات المبنیات...» (صص ۲۵۴ - ۲۵۶؛ نیز: محمدباقر مجلسی، ۱۹۱/۹۹ - ۱۹۴). مجلسی پس از نقل متن این زیارت اظهار می دارد: شاید این زیارتنامه از مؤلفات وی [= ابن طاووس] یا امثال وی باشد. همچنان که ساختار و نظام آن بر چنین احتمالی گواهی می دهد (بحارالانوار، ۱۹۵/۹۹).

۲ - ۱۰. زیارت دهم: شیخ طوسی از طریق ابن عیاش گوید: خیر بن عبدالله از مولای خود ابوالقاسم حسین بن روح برایم حدیث کرد که گفت: هر یک از مشاهد را که در ماه رجب در کنارش باشی زیارت کن. چون داخل شدی بگو: «الحمد لله الذی أشهدنا مشهداً اولیانه فی رجب و اوجب علینا فی حقهم ما قد وجب» (طوسی، مصباح المتعبد، ص ۵۷۲؛ محمدباقر مجلسی، ۱۹۵/۹۹). گفتنی است که این زیارت همان است که به «زیارت رجبیه» شهرت دارد (قمی، ص ۲۲۶) و محدث قمی نیز آن را زیر عنوان «زیارت پنجم جامعه» آورده است (مفاتیح الجنان، ص ۹۱۷).

۲ - ۱۱. زیارت یازدهم: مجلسی دوم که از این زیارت به عنوان «زیارت مصافقه»^۲ یاد کرده است می نویسد: در نسخه‌ای کهن از مؤلفات عالمان امامی مطلبی یافتیم که عین عبارت آن چنین است: «نتی چند روایت کرده‌اند که زیارت سروران ما (ع) در حقیقت تجدید پیمان و میثاق مأخوذی است که بر گردن بندگان است. راه و روش زیارت این است که زائر به هنگام زیارت امامان (ع) بگوید: جتتک یا مولای

۱. یعنی: زیارت شونده.

۲. «مصافقه» به معنای دست به دست هم زدن دو کس به هنگام داد و ستد به نشانه اعلام موافقت است. در قدیم رسم بر این بوده است که بیعت کننده و بیعت شونده، بیان خریدار و فروشنده، در مقام بیعت دست در دست هم می‌نهادند. در این زیارت آمده است: دست راست را بر قبر می‌نهی و می‌گویی: «هذه یدى مصافقة لک علی التیعة الواجبة علینا، فأقبل ذللاً مئی یا امامی». (یعنی: این دستان من است که به نشانه بیعتی که بر ما واجب است به سوی تو دراز می‌کنم. ای پیشوایم، آن را از من بپذیر). بدین سبب این زیارت را «مصافقه» خوانده‌اند.

زائر ألك و مسلماً عليك ...» در پایان گوید: «نگاه دو رکعت نماز زیارت به جای می‌آوری و باز می‌گردی. اگر چنین کنی زیارت به سان عهد و میثاق تازه باشد. آنگاه مجلسی گوید: برخی از متأخران این زیارتنامه را عیناً از شیخ مفید نقل کرده‌اند (بحارالانوار، ۱۹۷/۹۹ - ۱۹۸).

۲ - ۱۲. زیارت دوازدهم؛ مجلسی گوید: این زیارتی است که آن را در همان کتاب مذکور دیدم. گمان می‌رود که این از مؤلفات عالمان و غیرمنقول از ائمه باشد. این زیارت چنین آغاز می‌شود: «السلام علی كافة الانبیاء و المرسلین، السلام علی حجج الله علی العالمین ...» (پیشین، ۱۹۸/۹۹ - ۲۰۴).

۲ - ۱۳. زیارت سیزدهم؛ این زیارت نیز از همان کتاب کهن پیشگفته مأخوذ است. آغاز این زیارت چنین است: «السلام علیکم یا سادة المؤمنین و ائمة المتقین ...» (پیشین، ۲۰۴/۹۹ - ۲۰۷).

۲ - ۱۴. زیارت چهاردهم؛ این یکی نیز از همان نسخه کهن پیشگفته منقول است. در آن کتاب گوید: «اذن دخول می‌گیری و می‌گویی: «السلام علیکم یا محال معرفة الله، السلام علیکم یا مساکن برکة الله ...» (محمدباقر مجلسی، ۲۰۷/۹۹ - ۲۰۸).

۳. نسبت این زیارتها با یکدیگر

از رهگذر مقایسه متن این زیارتنامه‌ها با یکدیگر به روشنی می‌توان دریافت که نسبت بیشتر این زیارتها با هم «عموم و خصوص من وجه» است. بدین معنا که در عین اشتراک در پاره‌ای از مواضع و فقرات در موضوعی دیگر با هم اختلاف دارند.

۴. داوری مجلسی دوم دربارهٔ این زیارتها

مجلسی پس از نقل زیارت‌هایی که در سطور بالا توصیف شد، بی‌آنکه دلیل یا دلایل خود را بیان کند، در مقام ارزیابی و داوری دربارهٔ آنها می‌گوید: «در این کتاب سه عدد معصومین - صلوات الله علیهم - چهارده زیارت جامعه آوردم. ولی برترین و موثق‌ترین آنها دومی [یعنی زیارت موسوم به جامعه کبیره] است و پس از آن به ترتیب زیارت

اول [یعنی زیارت جامعه صغیره]، چهارم، پنجم، ششم [یعنی زیارت امین الله]، هفتم، دهم و سوم است (۲۰۹/۹۹). از این رو در ادامه مقاله بررسی خود را بر محور زیارت اول و دوم، یعنی زیارت جامعه صغیره و جامعه کبیره متمرکز می‌کند.

۵. اعتبار زیارت جامعه صغیره از لحاظ سند

به نظر می‌رسد درباره صحت مضامین زیارت «جامعه صغیره» جای سخنی نباشد. زیرا درون مایه این زیارت با مضامین قرآن و سنت صحیح هماهنگی کامل دارد. بطوری که بسا صحت این مضامین، ما را از بررسی سندی نیز بی‌نیاز گرداند. در عین حال، از باب پیروی از سنت علما و برای اطمینان بخشی بیشتر به بررسی سندی زیارت مزبور می‌پردازد. در صفحات پیشین از نظر خوانندگان گذشت که زیارت جامعه صغیره در بسیاری از مجموعه‌های حدیثی شیعه، از جمله در کافّی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب درج افتاده است. برای سهولت بحث و نیز برای آنکه خوانندگان ارجمند از اسناد این زیارت تصویر روشنی در ذهن داشته باشند، آن را به صورت نمودار زیر نشان می‌دهد:

امام علی بن موسی الرضا (ع)

علی بن حسان [واسطی]



از نمودار بالا به روشنی هویدا است که راوی کلیدی در اسناد این زیارت همانا **علی بن حسان** است. پس قبل از همه باید درباره او سخن گفت. در اسناد روایات شیعه، دو تن به نام **علی بن حسان** به چشم می‌خورد. یکی **علی بن حسان هاشمی (وابسته محمد بن علی بن عبدالله بن عباس)** که او را فاسد الاعتقاد، ضعیف، کذاب و در زمره غلات معرفی کرده‌اند (خویی، ۳۱۱/۱۱ - ۳۱۲) و دیگری **علی بن حسان واسطی** که او را ثقه و شایسته اعتماد دانسته‌اند (پیشین، ۳۱۲/۱۱ - ۳۱۳). شاید سبب اینکه مجلسی دوم اسناد این زیارت را «ضعیف» یا «مجهول» ارزیابی کرده است (ملاذ الاخیار، ۲۷۹/۹؛ همو، *مرآة العقول*، ۳۰۴/۱۸)، همین اشتراک و همنامی میان ثقه و غیرثقه باشد. اما از قراین به نظر می‌رسد این **علی بن حسان** که در اسناد زیارت جامعه صغیره واقع شده است، واسطی باشد (نگ: ابن بابویه، *مشیخة الفقیه*، ۵۳۱/۴). چون بنا به گفته ابن الغضائری، **علی بن حسان هاشمی** فقط از عموی خود **عبدالرحمن بن کثیر** روایت می‌کند (پیشین، ۳۱۲/۱۱، ۳۱۵). در نتیجه با اطمینان می‌توان گفت روایت این **علی بن حسان** پذیرفته و موثق است (پیشین، ۳۱۳/۱۱؛ امینی، *هاشم کامل الزیارات*، ص ۳۱۵). اما طریق صدوق به **علی بن حسان** به تصریح رجال شناسان صحیح است (خویی، ۳۱۵/۱۱). زیرا آنان محمد بن حسن صفار را فردی «ثقه و عظیم القدر» و طریق صدوق را به او صحیح دانسته‌اند (پیشین، ۲۴۸/۱۵). محمد بن حسن بن احمد بن ولید نیز در غایت وثاقت است. چون رجال شناسان او را با عبارتی مانند: «ثقه ثقه، عین، مسکون» الیه، عارف بالرجال و موثق به ستوده و توثیق کرده‌اند (پیشین، ۲۰۶/۱۵). در طریق کلینی نیز نه تنها مشکلی به چشم نمی‌خورد، بلکه اسناد او هم صحیح است (محمد تقی مجلسی، ۴۴۹/۵). زیرا هارون بن مسلم ثقه و از بزرگان شیعه است (پیشین، ۲۲۹/۱۹). ابوجعفر محمد بن احمد اشعری نیز بنا به گفته شیخ طوسی جلیل القدر و پسر روایت (پیشین، ۴۶/۱۵) و بنا به تصریح نجاشی در حدیث ثقه است. جز اینکه از ضعفا روایت

می‌کند و به مراسیل اعتماد می‌ورزد. ولی به خود او خُرده‌ای نمی‌توان گرفت (پیشین، ۴۴/۱۵). ابو جعفر محمد بن یحیی عطار هم از مشایخ کلینی است و کلینی از او بسیار روایت می‌کند (پیشین، ۴۰/۱۵) و نجاشی او را با تعبیراتی چون: «بزرگ یاران ما در زمان خود، ثقه، عین و کثیر الحدیث» ستوده است (پیشین، ۳۰/۱۸). فقط در طریق ابن قولویه ممکن است یک نقطه ابهام به نظر برسد. زیرا درباره محمد بن حسین بن مت جوهری که از مشایخ ابن قولویه است، خبری مبنی بر مدح یا ذم به دست ما نرسیده است (پیشین، ۱۸/۱۶: امینی، همانجا). ولی به نظر نگارنده، چون جعفر بن قولویه خود از ثقات و در حدیث و فقه از بزرگان امامیه بوده است (خویی، ۱۰۶۷ - ۱۰۷)، این ابهام مشکلی پیش نمی‌آورد. بویژه آنکه زیارت مزبور عیناً از طریق صدوق و کلینی نیز با اسناد صحیح به ما رسیده است.

۶. زیارت جامعه کبیره

در میان زیارت‌های جامعه، بی‌تردید «زیارت جامعه کبیره» از شهرتی بیشتر برخوردار است. بطوری که غالباً عنوان «زیارت جامعه» به همین زیارت انصراف دارد. از همین رو درباره این زیارت با تفصیلی بیشتر سخن باید گفت.

۶-۱. درون مایه زیارت جامعه کبیره

همچنان که محتوای غالب زیارت‌ها آمیزه‌ای از تعالیم خدانشناختی و امام شناختی است، این زیارتنامه نیز شامل بلیغ‌ترین توصیف و کامل‌ترین نعت و بیان فضیلت ائمه هدی (ع) و حاوی بهترین معانی توحیدی و یکتاپرستی است. تا آنجا که به صورتی روشن و بیانی رسا ارتباط توحید و امامت را نشان می‌دهد و فضایل ائمه همه را عطیه الهی و تفضل پروردگار معرفی می‌کند. در این زیارت نام جلاله «الله» بسیار تکرار

می‌شود و به ذهن می‌نشیند و دیدهٔ دل را به روی غیر خدا می‌بندد. بطور خلاصه می‌توان گفت: توصیف کامل و معرفی جامع خاندان رسالت، بیان معارف الهی و مفاهیم توحیدی، شهادت به فضایل ائمه، دعا و درخواست از خدا، پذیرش ولایت و تولا به ائمه نور و معرفت و تبراً از ائمهٔ نار خمیر مایهٔ زیارت جامعه را تشکیل می‌دهد (برای آگاهی بیشتر نک: رکنی، صص ۳۴۳ - ۳۴۴، ۳۵۱ - ۳۵۳، ۳۶۵، ۳۷۸؛ سبزوینی، صص ۳۹ - ۴۰). به دیگر سخن، امام (ع) در این زیارت «شمه‌ای از مقامات ولایت» را اظهار فرموده است (امام خمینی، ص ۴۳).

۶-۲. شروح زیارت جامعه کبیره

چون در زیارت جامعه کبیره جمله‌ها و عباراتی مشابه به چشم می‌خورد که به شرح و توضیح و بیان نیاز دارد، تنی چند از دانشمندان و اهل فن به شرح آن مواضع و بیان مراد آنها اهتمام نشان داده و کوشیده‌اند مواضع دشوار یا چند پهلوئی آن را روشن سازند. اهم آن شرحها از این قرار است:

۶-۲-۱. شرح مولی محمد نقی مجلسی (د. ۱۰۷۰ هـ. ق.) در خلال کتاب

روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (۴۵۱/۵ - ۴۹۹). وی این زیارت را در

کتاب *لوامع صاحبقرانی*، که شرح فارسی کتاب *من لا یحضره الفقیه* است، نیز شرح و تفسیر کرده است.

۶-۲-۲. شرح مولی محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ هـ. ق.) در خلال *بحار الانوار*

(۱۳۴/۹۹ - ۱۴۴) که شرحی نسبتاً موجز است. وی فقط بعضی از لغات و مواضع

مشکل را شرح داده و بنا به اظهار خودش برای پرهیز از اطاله توانسته حق آن را به

شایستگی بگذارد. (۱۴۴/۹۹). مجلسی این شرح را در *ملاذ الاخیار* (۲۴۷/۹ - ۲۷۸) نیز

تکرار کرده است. علاوه بر آن شرح، وی ترجمه‌ای هم از این زیارت به فارسی سامان

داده است (نوری، الفیض القدسی، ضمیمه بحار الانوار، ۱۰۲/۵؛ مهدوی دامغانی، ص ۱۵۰).

۶- ۲- ۳. ترجمه و شرح زیارت جامعه به فارسی به خامة آقا جمال خوانساری (د. ۱۱۳۵ هـ. ق.) در کتاب مزار (صص ۵۹ - ۹۵). وی این ترجمه و شرح را برای شاه سلطان حسین صفوی (حک. ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هـ. ق.) نگاشته است (همان، ص ۸).
 ۶- ۲- ۴. الاعلام اللامعه فی شرح زیارة الجامعة به خامة سید محمد بن عبدالکریم طباطبایی بروجردی جد سید مهدی بحر العلوم و خواهرزاده علامه مجلسی.

۶- ۲- ۵. شرح الزیارة الجامعة الکبیره به خامة شیخ احمد بن زین الدین احسائی (د. ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۳ هـ. ق.) در ۴ مجلد. این شرح مفصل ترین و عالمانه ترین شرحی است که بر این زیارت نگاشته شده و مؤلف در سال ۱۲۳۰ از تألیف آن فراغت یافته است. این شرح بارها به چاپ رسیده است (نک: منابع).

۶- ۲- ۶. الانوار اللامعه به خامة سید عبدالله بن محمدرضا شبر حسینی (د. ۱۲۴۲ هـ. ق.). این شرح که مکرراً به چاپ رسیده به نام با اختران تابناک به فارسی نیز ترجمه شده است.

۶- ۲- ۷. شرح فارسی موسوم به الشموس الطالعه به قلم سید حسین بن محمدتقی همدانی (د. ۱۳۴۴ هـ. ق.).

۶- ۲- ۸. شرح زیارت جامعه کبیره به زبان فارسی از محمدهادی فخر المحققین شیرازی (انتشارات فدک، مشهد)^۱.

۶- ۳. اعتبار زیارت جامعه کبیره

پیش از اینکه در این باره سخنی بگویم، مناسب می‌بیند استاد این زیارت را با نمودار زیر نشان دهد:

۱. برای آگاهی از دیگر شروح نک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۳/۳۰۵ - ۳۰۶.



مجلسی دوم بدون اینکه ادله و مستندات خود را برای ما شرح دهد، درباره اعتبار زیارت جامعه کبیره چنین داوری می‌کند: «این زیارتنامه صحیح‌ترین زیارتنامه‌ها از نظر سند و جامع‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین و والا مرتبه‌ترین آنهاست.»^۱ (بحارالانوار، ۱۴۴/۹۹؛ همو، ملاذ/الاحیاء، ۲۷۸/۹؛ قمی، مفاتیح، ص ۹۱۱). اما باید دانست، این زیارتنامه بر طبق اصطلاح حدیث شناسان اسامی در سندهای میانی و متأخر مهمل^۲ و ضعیف الاسناد است. چنان که مجلسی خود نیز اسناد آن را «مجهول»^۳ ارزیابی کرده است (ملاذ/الاحیاء، ۲۴۷/۹). زیرا موسی بن عبدالله [یا عمران] نخعی (ابن بابویه، فقیه، ۶۰۹/۲؛ طوسی، تهذیب، ۹۵/۶؛ قس: ابن بابویه، عیون، ۲۷۲/۲. نیز نک: خویی، ۵۲/۱۹) که راوی زیارت مزبور از امام هادی (ع) است، مهمل و ناشناخته است و رجال شناسان نتوانسته‌اند درباره او آگاهی‌هایی به دست دهند (خویی، ۵۲/۱۹؛ احسایی، ۵/۱؛ عطاردی، ص ۳۶۷) و ظاهراً غیر از همین زیارت جامعه، از طریق وی روایت دیگری از امام هادی (ع) نقل نشده است (خویی، همانجا؛ عطاردی، همانجا).

درباره محمد بن اسماعیل برمکی هم که راوی این زیارت از نخعی است باید گفت: نجاشی وی را «ثقه» و در راه راست دانسته و ابن الغضائری او را «ضعیف» معرفی کرده است. اما برخی از رجال شناسان معاصر به سبب آنکه کتاب منسوب به ابن الغضائری نسبتش به او به اثبات نرسیده، توثیق نجاشی را بسلا معارض تلقی کرده‌اند (خویی، ۹۴/۱۵ - ۹۵. نیز نک: محمدتقی مجلسی، ۴۵۲/۵). این توثیق کم‌رنگ می‌تواند

۱. «... انها اصح الزیارات سنداً و اعثها مورداً و افصحها لفظاً و ابلغها معنی و اعلاها شاناً».

۲. مهمل حدیثی است که بعضی از رجال سند آن در کتابهای رجال ذکر نشده یا ذکر شده ولی وصفی از آنان نشده باشد (مدیر شانه‌چی، ص ۸۸).

۳. مجهول که از اقسام حدیث ضعیف است، حدیثی را گویند که نسبت به عقیده و مذهب بعضی از افراد سلسله سند آن در کتابهای رجال ذکر نشده باشد و مدح یا قدحی به چشم نخورد (مدیر شانه‌چی، همانجا).

تا اندازه‌ای مشکل ناشناخته بودن نخعی را، که راوی کلیدی زیارت مورد بحث است، جبران کند. ولی مشکل دیگری که در راه «تحسین» یا «توثیق» این اسناد به چشم می‌خورد، این است که طریق صدوق به محمد بن اسماعیل برمکی (مشيخة الفقيه، ۵۱۲/۴) ناصحیح است. زیرا دربارهٔ مشایخ صدوق در این طریق توثیقی به ما نرسیده است (خویی، ۹۳/۱۵). بنابراین، بر پایهٔ روشهای حدیث شناسان متأخر ظاهراً راهی برای «توثیق» اسناد این زیارت به نظر نمی‌رسد.

اما از نظر محدثان سده‌های چهارم و پنجم مانند «محمد بن ثلاثه نخستین» که حدیث را فقط به صحیح و غیر صحیح تقسیم می‌کرده‌اند، ظاهراً صحیح یا مقبول به شمار می‌آمده است. زیرا آنان در آن روزگار به سبب نزدیکی به زمان معصومین (ع) قراین مرجح‌های در اختیار داشته‌اند^۱ یا این زیارت را در اصول و کتابهای معتبری که در اختیارشان بوده است دیده و بدان اعتماد کرده‌اند. به همین سبب، شیخ احمد احسائی برای اثبات صحّت روایت به عمل صدوق استدلال می‌کند و می‌گوید: «این روایت از نظر ما صحیح است. زیرا صدوق بدان اعتماد کرده و آن را در من لا یحضره الفقیه که میان خود و خدا حجّت قرار داده به ودیعت نهاده است. بنابراین، اعتماد صدوق خود از مرجحات و از قراین تقویت کننده است. افزون بر آن، فرقهٔ مُحَقِّه [شیعه امامیه] آن را تلقی به قبول کرده‌اند. بطوری که نه کسی را می‌توان یافت که آن را انکار یا در آن توقّف کرده باشد. بلکه اگر فرد بصیر و ناقد بخواهد بر صحّت آن ادعای اجماع کاشف از قول معصوم کند می‌تواند» (احسائی، ۵/۱ - ۶).

گفتنی است که بسیاری از عالمان از باب «تسامح در ادلّه سنن»^۲ خود را از

۱. دربارهٔ قراین و شروط صحّت حدیث نزد محدثان قدیم نک: مدیر شانه‌چی، صص ۴۸ - ۴۹ (پاورقی).

۲. برای آگاهی از این قاعده نک: ابوالفضل میرمحمدی، «تسامح در ادلّه سنن»، مقالات و بررسیها، دفتر

۴۸ - ۲۷، ۱۳۶۸ ه. ش، صص ۱ - ۱۷.

بررسی سندی این قبیل زیارتها بی‌نیاز دانسته یا برای اثبات صحت زیارت به الفاظ فصیح و تعبیرات بدیع و معارف و مضامین و معارف والایی که در آن زیارتها نهفته است استدلال می‌کنند. چنانکه مجلسی پس از آنکه اسناد این زیارت را «مجهول» ارزیابی می‌کند، بی‌درنگ می‌افزاید: «ولی این زیارت خود شاهدی عادل بر صحت آن است (ملاذ الاخیار، ۲۴۷/۹). یکی از شواحن زیارت جامعه در همین خصوص می‌نویسد: «بدان که این زیارت شریفه به بررسی و ملاحظه سند نیاز ندارد. زیرا فصاحت معنا و بلاغت مضمون آن، ما را از جست و جو در کیفیت سندش بی‌نیاز می‌گرداند» (شیر، ص ۴۳). وی همین معنا را در جای دیگر تکرار کرده و نوشته است: «این زیارت مانند نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه و بیشتر ادعیه و مناجاتها، فصاحت مضمون و بلاغت مدلولش ما را از جست و جو در سندش بی‌نیاز می‌سازد». (پیشین، ص ۴۱). شیخ احمد احسائی با آنکه سند این زیارت را طبق موازین محدثان قدیم امامی صحیح می‌داند، بر صحت مضامین نیز تأکید بسیار دارد. او بر عبارات پیشگفته می‌افزاید: «افزون بر آن، الفاظ و عبارتهای این زیارت از فصاحت و بلاغت و اسرار و معانی برخوردار است که فرد آگاه به دقایق یقین می‌کند که این از کلام معصوم است و چنین سخنی از غیر معصوم صادر نمی‌شود» (احسائی، ۶/۱. قس: شیر، ص ۳۹؛ خوانساری، ص ۱۰۲). او در عین حال که «از باب یمّن به سنن علما» سند زیارت جامعه را بررسی کرده است (احسائی، ۳/۱ - ۵)، بر بی‌نیازی زیارت مزبور از بررسی سندی تأکید می‌ورزد و می‌نویسد: «این زیارت جامعه میان شیعیان شهرت دارد. بطوری که به سبب شهرتش از بیان سند و اثبات صحتش بی‌نیاز است. این زیارت نزد همه شیعیان پذیرفته است و در این باره مخالف و معارضی وجود ندارد. با آنکه مشتمل بر معانی غریب و اسرار دشوار فهم و شگفت‌آوری است که بسیاری از ایشان در غیر این زیارت آن را انکار می‌کنند» (احسائی، ۲/۱).

در پایان، ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که مجلسی اول در شرح من لا یحضره الفقیه تجربه‌ای را که در رؤیا (میان خواب و بیداری) دربارهٔ زیارت جامعه و فضیلت آن برایش حاصل شده است گزارش کرده و آن را از مؤیدات و مرجحات این زیارت شمرده است. او پس از گزارش آن مکاشفه یا رؤیا می‌نویسد: «نتیجه اینکه با تأیید صاحب الامر (ع) مرا تردیدی نیست که این زیارت از ابوالحسن الهادی - سلام‌الله علیه - است و آن کامل‌ترین و بهترین زیارتهاست. بلکه پس از آن رؤیا، من در بیشتر وقتها امامان را - که درودهای خدا برایشان باد - با این زیارتنامه زیارت می‌کنم و در عتبات عالیات آنان را جز با این زیارتنامه زیارت نمی‌کردم» (محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ۴۵۲/۵؛ احسایی، ۶/۱ - ۷؛ قمی، ۹۱۱ - ۹۱۲). بنابراین بعید به نظر نمی‌رسد که مجلسی دوم، به رغم آنکه اسناد زیارت مورد بحث را ضعیف ارزیابی کرده است، با استناد به همین مکاشفه و رؤیای پدرش، آن را «از نظر سند صحیح‌ترین زیارتها» قلمداد می‌کند. البته ناگفته پیداست که رؤیا تجربه‌ای شخصی است و شاید نتوان در مقام نفی و اثبات چیزی بدان تمسک و استدلال کرد. هر چند برای شخصی که چنین چیزی را تجربه کرده است اطمینان بخش باشد.

۷. نتیجه

فرجام سخن اینکه از رهگذر مطالعهٔ رجال شناختی و بررسی اسناد دو زیارت جامعهٔ کبیره و صغیره و مقایسهٔ احوال راویان موجود در طریق این دو زیارت، بویژه از مقایسهٔ احوال علی بن حسان راوی کلیدی زیارت جامعهٔ صغیره و موسی بن عبدالله نخعی راوی کلیدی زیارت جامعهٔ کبیره، می‌توان نتیجه گرفت که زیارت جامعهٔ صغیره نسبت به جامعهٔ کبیره از نظر سند از قوت و استحکامی بیشتر برخوردار است. هر چند که صحت مضامین ادعیه و زیارتها خود می‌تواند برای اهل ایمان اطمینان آور باشد.

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الدريعه*، به كوشش علی نقی مستزوی، تهران - نجف، ۱۳۴۰ش/۱۹۶۲م.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین؛ *عیون اخبار الرضا*، به كوشش سید مهدی حسینی لاجوردی، قم، ۱۳۷۷ق.
- _____؛ *من لا یحضره الفقیه*، به كوشش علی اكبر غفاری، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۴ - ۱۳۹۲ق.
- ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد؛ *كامل الزیارات*، به كوشش عبدالحسین امینی تبریزی، نجف، ۱۳۵۶ق.
- الامین الحسینی العاملی، السید محسن؛ *مفتاح الجنات*، الطبعه الثانيه، دمشق، بی تا.
- اتیس، ابراهیم و دیگران؛ *المعجم الوسيط*، الطبعه الثانيه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- خمینی، امام روح الله؛ *تفسیر سوره حمد*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، تهران، ۱۳۷۸ش.
- خویی، آیه الله سید ابوالقاسم موسوی؛ *معجم رجال الحديث*، الطبعه الثانيه، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- رکنی، محمد مهدی؛ *شوق دیدار: مباحثی پیرامون زیارت*، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۲ش.
- شتر، سید عبدالله؛ *با اختران تابناک (ترجمه الانوار اللامعه)*، ترجمه عباسعلی سلطانی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۶۷ش.
- الشهید الاول، محمد بن مکی العاملی؛ *المزار*، به كوشش محمود البدری، الطبعه الاولى، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۶ق.
- الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن؛ *تهذیب الاحكام*، نجف، ۱۳۷۷ق.
- _____؛ *مصباح التهجید*، چاپ سنگی، مطبعه علمی، تهران، ۱۳۳۸ق.
- عطاردی، عزیزالله؛ *مسند الامام الهادی*، الطبعه الثانيه، دار الصفا، بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- قمی، شیخ عباس؛ *مفاتیح الجنان*، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۸ش.
- الكفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی العاملی؛ *المصباح فی الادعیه و الصلوات و الزیارات*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.

- الکلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *بحار الانوار*، الطبعة الثالثة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳م.
- _____؛ *ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار*، به کوشش سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۷ق.
- _____؛ *مرآة العقول*، الطبعة الاولى، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق، ۱۳۶۶ش.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی؛ *روضة المتقین*، به کوشش سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه آشتیاردی، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، بی تا.
- مدیر شانه‌چی، کاظم؛ *درایة الحدیث*، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۳ش.
- المفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان؛ *کتاب المزار*، الطبعة الاولى، مؤسسة الامام المهدي، قم، ۱۴۰۹ش.
- مهدوی دامغانی، محمود؛ *نگاهی به پاره‌ای از آثار فارسی علامه مجلسی*، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ش ۱۰، بهار ۱۳۵۳، صص ۱۲۸ - ۱۵۱.
- نوری، میرزا حسین؛ *الفيض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی*، ضمیمه *بحار الانوار* (با مشخصات پیشگفته)، ج ۱۰۲.

